

X1-012 (2002/10/04)

چندقطبیه‌ی مغناطیسی در مغناطستاتیک

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

با بررسی‌ی ساختار میدانها‌ی مغناطیسی‌ی ایستا دور از چشمه‌ها‌ی جایگزیده، چندقطبیه‌ی مغناطیسی معرفی و به جریانها‌ی سازنده‌ی میدان مغناطیسی مربوط میشوند.

0 درآمد

چندقطبیه‌ی الکتریکی در خیل‌ی از کتابها‌ی درسی‌ی الکترومغناطیس بررسی شده‌اند، از جمله در [1] و [2]. اما در خیل‌ی از کتابها، در بحث مغناطستاتیک از فقط دُقطبی‌ی مغناطیسی اسم می‌برند. در بعضی‌ی از کتابها (مثلن [1]) چندقطبیه‌ی مغناطیسی را بررسی میکنند، اما فقط در بحث تابش، که میدانها و چشمه‌ها وابسته-به-زمان‌ند. بررسی‌ی چندقطبیه‌ی وابسته-به-زمان دشوارتر است. این‌جا می‌خواهم چندقطبیه‌ی مغناطیسی‌ی ناشی از چشمه‌ها‌ی مستقل-از-زمان را بررسی کنم. در سراسر این متن، چشمه‌ها و میدانها را مستقل از زمان می‌گیرم. ضمنن برای ساده‌گی در واحدها بی‌کار میکنم که μ_0 (تراوایی‌ی خلی) یک است.

1 میدان مغناطیسی دور از چشمه‌های جایگزیده

تُرّیع - جریانی را در نظر بگیرید که در $r > R$ صفر باشد. (r, θ, ϕ) مختصات کروی اند، و جهت (θ, ϕ) را با \hat{r} نشان می‌دهم. B (میدان مغناطیسی‌ی این تُرّیع - جریانی)

$$\nabla \cdot B = 0, \quad (1)$$

و

$$\nabla \times B = 0, \quad r > R, \quad (2)$$

را بر می‌آورد. ناحیه‌ی $r > R$ ساده-همبند است. بنابراین از (2) نتیجه می‌شود میدان مغناطیسی گرادیان یک پتانسیل اسکالر است:

$$B = -\nabla\phi. \quad (3)$$

به ϕ پتانسیل (اسکالر) مغناطیسی می‌گوییم. از (3) و (1) نتیجه می‌شود پتانسیل مغناطیسی معادله‌ی لپلاس [3] را بر می‌آورد:

$$\nabla^2\phi = 0, \quad r > R. \quad (4)$$

نتیجه‌ی این معادله

$$\phi(\mathbf{r}) = \frac{1}{4\pi} \sum_{l=0}^{\infty} \frac{\phi_l(\hat{r})}{r^{l+1}}, \quad r > R, \quad (5)$$

است، که

$$\mathbf{L} \cdot \mathbf{L} \phi_l = -l(l+1)\phi_l, \quad (6)$$

و

$$\mathbf{L} = \mathbf{r} \times (-\nabla), \quad (7)$$

که نتیجه می‌دهد

$$\mathbf{L} \cdot \mathbf{L} = \frac{1}{\sin\theta} \frac{\partial}{\partial\theta} \sin\theta \frac{\partial}{\partial\theta} + \frac{1}{\sin^2\theta} \frac{\partial^2}{\partial\phi^2}. \quad (8)$$

از (6) نتیجه می‌شود

$$\phi_l(\hat{r}) = \sum_{m=-l}^l q_{lm} Y_{lm}(\hat{r}), \quad (9)$$

که Y_{lm} ها هماهنگ کروی (فصل 3 از [2])، و q_{lm} ها ثابت اند. به q_{lm} ها چندقطبها ی مغناطیسی میگویند: $l = 0$ تکقطبی، $l = 1$ دُقطبی، $l = 2$ چهارقطبی، و (3)، (5)، و (9)، کاملن شبیه مانسته‌ها ی الکتریکی یشان ند. بنابراین ساختار میدانها ی مغناطیسی دور از چشمه‌ها، کاملن شبیه ساختار میدانها ی الکتریکی دور از چشمه‌ها است. تنها یک تفاوت هست: (1) در کل فضا برقرار است، پس

$$\begin{aligned} q_{00} &= \sqrt{4\pi} \oint_{r=R' > R} dS \hat{r} \cdot \mathbf{B}, \\ &= \sqrt{4\pi} \int_{r < R'} dV \nabla \cdot \mathbf{B}, \\ &= 0, \end{aligned} \quad (10)$$

یعنی تکقطبی ی مغناطیسی صفر است (تکقطبی ی مغناطیسی نداریم).

2 چندقطبها ی مغناطیسی بر حسب تَزیع - - جریان

در بخش قبل، ساختار کلی ی میدان مغناطیسی دور از چشمه بررسی شد. معادله‌ها ی میدانها ی الکتریکی و مغناطیسی، بیرون چشمه یکسان ند. به همین علت هم ساختار این میدانها دور از چشمه شبیه به هم است. تنها تفاوت آن است که تکقطبی ی مغناطیسی نداریم، در حال ی که تکقطبی ی الکتریکی داریم. اما معادله‌ها ی میدانها ی الکتریکی و مغناطیسی، در حضور چشمه با هم فرق دارند: خود چشمه‌ها هم فرق دارند. چشمه ی میدان الکتریکی بار است، در حال ی که چشمه ی میدان مغناطیسی جریان است؛ چشمه ی میدان الکتریکی دیورژانس این میدان را ناصفر میکند، در حال ی که چشمه ی میدان مغناطیسی کرل آن را ناصفر میکند. چندقطبها ی الکتریکی بر حسب تَزیع - - بار میشوند

$$q_{lm}^E = \frac{4\pi}{2l+1} \int dV r^l Y_{lm}^*(\hat{r}) \rho(\mathbf{r}), \quad (11)$$

(فصل 4 از 2)، که چگالی ی بار است.

برای به-دست-آوردن چندقطبها ی مغناطیسی، رابطه ی پتانسیل برداری ی مغناطیسی با جریان را به کار میبرم. با استفاده از (1)، پتانسیل برداری ی \mathbf{A} به شکل

$$\mathbf{B} = \nabla \times \mathbf{A} \quad (12)$$

تعریف میشود. این تعریف، A را به طری یکتا از روی B تعیین نمیکند. به A می‌شود گرادیان هر میدان اسکالری را افزود (تبدیل پیمانه‌ای)، و با این کار B تغییر نمیکند (فصل 5 از [2]). با استفاده از

$$\nabla \times B = J, \quad (13)$$

و نیز (12)، نتیجه میشود

$$-\nabla^2 A + \nabla \nabla \cdot A = J. \quad (14)$$

این معادله A را به طور یکتا از روی J تعیین نمیکند. اما با اثر دادن L از چپ بر دُطرف این رابطه،

$$\nabla^2 (L \cdot A) = -L \cdot J \quad (15)$$

نتیجه میشود. از این استفاده شده که L با لپسوی جابه‌جا میشود، و این که

$$L \cdot \nabla = 0. \quad (16)$$

برخلاف خُذ پتانسیل برداری، $(L \cdot A)$ در اثر تبدیل پیمانه‌ای تغییر نمیکند. این هم نتیجه‌ی (16) است. در واقع (15) یک معادله‌ی پُوسن [4] برای $(L \cdot A)$ است، با چشمه‌ی $(L \cdot J)$. پس (با اعمال شرط مرزی مناسب، مثلن صفرشدن در بی‌نهایت) $(L \cdot A)$ را میشود به طری یکتا از روی $(L \cdot J)$ تعیین کرد. ضمنن از (12) نتیجه میشود

$$L \cdot A = -r \cdot B, \quad (17)$$

که این هم نشان میدهد $(L \cdot A)$ با تبدیل پیمانه‌ای تغییر نمیکند.

با استفاده از (15) و (17)، نتیجه میشود

$$\begin{aligned} (r \cdot B)(r) &= -(L \cdot A)(r), \\ &= \frac{1}{4\pi} \sum_{l=0}^{\infty} \frac{C_l(\hat{r})}{r^{l+1}}, \quad r > R, \end{aligned} \quad (18)$$

که

$$C_l(\hat{r}) = \sum_{m=-l}^l q'_{lm} Y_{lm}(\hat{r}), \quad (19)$$

و

$$q'_{lm} = \frac{4\pi}{2l+1} \int dV r^l Y_{lm}^*(\hat{r}) (-L \cdot J)(r). \quad (20)$$

با استفاده از

$$\begin{aligned} q'_{00} &= \sqrt{4\pi} \int dV (\mathbf{r} \times \nabla) \cdot \mathbf{J}, \\ &= \sqrt{4\pi} \int dV (\nabla \times \mathbf{r}) \cdot \mathbf{J}, \\ &= 0, \end{aligned} \quad (21)$$

نتیجه میشود

$$C_0 = 0, \quad (22)$$

و جمع بندی ی (18) در واقع از $l = 1$ شروع میشود. برای رسیدن به (21)، از انتگرالگیری ی جزئی-به-جزئی استفاده شده، و این که چشمه جایگزیده است.

با استفاده از (3) و (5)، نتیجه میشود

$$(\mathbf{r} \cdot \mathbf{B})(\mathbf{r}) = \frac{1}{4\pi} \sum_{l=0}^{\infty} \frac{(l+1) \phi_l(\hat{\mathbf{r}})}{r^{l+1}}, \quad r > R, \quad (23)$$

و از مقایسه ی این با (18)،

$$C_l(\hat{\mathbf{r}}) = (l+1) \phi_l(\hat{\mathbf{r}}), \quad (24)$$

یا

$$q'_{lm} = (l+1) q_{lm}. \quad (25)$$

پس چندقطبها ی مغناطیسی بر حسب جریان میشوند

$$q_{lm} = \frac{4\pi}{(l+1)(2l+1)} \int dV r^l Y_{lm}^*(\hat{\mathbf{r}}) (-\mathbf{L} \cdot \mathbf{J})(\mathbf{r}), \quad (26)$$

و البته q_{00} صفر است، یعنی تکقطبی ی مغناطیسی نداریم.

3 پتانسیل برداری و چندقطبها ی مغناطیسی

معلوم شد (14) برای A جواب یکتا ندارد. اما با تبدیل پیمانه ای ی مناسب ی میشود دیورژانس

A را صفر کرد (انتخاب پیمانه ی کوئن [5]). در این صورت (14) به

$$\nabla^2 \mathbf{A} = -\mathbf{J} \quad (27)$$

تبدیل میشود، که (با شرط مرزی مناسب) برای \mathbf{A} جواب بیکتا دارد. به ویژه

$$\mathbf{A}(\mathbf{r}) = \frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} \frac{\mathbf{A}_l(\hat{\mathbf{r}})}{r^{l+1}}, \quad r > R, \quad (28)$$

که از آن نتیجه میشود

$$(\mathbf{L} \cdot \mathbf{A})(\mathbf{r}) = \frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} \frac{(\mathbf{L} \cdot \mathbf{A}_l)(\hat{\mathbf{r}})}{r^{l+1}}, \quad r > R. \quad (29)$$

از مقایسه‌ی این با (18) و (24) نتیجه میشود

$$(\mathbf{L} \cdot \mathbf{A}_l)(\hat{\mathbf{r}}) = -(l+1)\phi_l(\hat{\mathbf{r}}). \quad (30)$$

یک نهاده برای \mathbf{A}_l ، اثر \mathbf{L} روی یک اسکالر است:

$$\mathbf{A}_l^0(\hat{\mathbf{r}}) = (\mathbf{L} a_l)(\hat{\mathbf{r}}). \quad (31)$$

با جاگذاری‌ی این نهاده در (30)، نتیجه میشود

$$\begin{aligned} (l+1)\phi_l &= -\mathbf{L} \cdot \mathbf{L} a_l, \\ &= l(l+1)a_l, \end{aligned} \quad (32)$$

و از آنجا،

$$a_l = \frac{1}{l} \phi_l, \quad (33)$$

یا

$$\mathbf{A}_l^0 = \frac{1}{l} \mathbf{L} \phi_l. \quad (34)$$

از اینجا،

$$\begin{aligned} \mathbf{A}^0(\mathbf{r}) &= \frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} \frac{(\mathbf{L} \phi_l)(\hat{\mathbf{r}})}{l r^{l+1}}, \quad r > R, \\ &= \mathbf{L} \left[\frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} \frac{\phi_l(\hat{\mathbf{r}})}{l r^{l+1}} \right], \quad r > R. \end{aligned} \quad (35)$$

از

$$\nabla \cdot \mathbf{L} = 0, \quad (36)$$

نتیجه میشود

$$\nabla \cdot \mathbf{A}^0 = 0. \quad (37)$$

از

$$\nabla \times \mathbf{L} = 2 \nabla - \mathbf{r} \nabla^2 + \mathbf{r} \cdot \nabla \nabla \quad (38)$$

هم نتیجه میشود

$$\begin{aligned} (\nabla \times \mathbf{A}^0)(\mathbf{r}) &= (2 \nabla - \mathbf{r} \nabla^2 + \mathbf{r} \cdot \nabla \nabla) \left[\frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} \frac{\phi_l(\hat{\mathbf{r}})}{l r^{l+1}} \right], \\ &= \left[\frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} (2 \nabla + \mathbf{r} \cdot \nabla \nabla) \frac{\phi_l(\hat{\mathbf{r}})}{l r^{l+1}} \right], \\ &= \left\{ \frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} [2 \nabla - (l+2) \nabla] \frac{\phi_l(\hat{\mathbf{r}})}{l r^{l+1}} \right\}, \\ &= -\nabla \left[\frac{1}{4\pi} \sum_{l=1}^{\infty} \frac{\phi_l(\hat{\mathbf{r}})}{r^{l+1}} \right], \\ &= \mathbf{B}(\mathbf{r}), \quad r > R. \end{aligned} \quad (39)$$

در تساوی ی دوم از این استفاده شده که لپلسی ی تکتک جمله‌ها ی سری صفر است. بنابراین تفاضل \mathbf{A} و \mathbf{A}^0 ، میدان ی است که دیورژانس آن صفر است، و کرل آن هم در $r > R$ صفر است. چنین میدان ی، در $r > R$ گرادیان یک میدان اسکالر است که لپلسی ی این میدان اسکالر، در $r > R$ صفر است. پس

$$\mathbf{A}(\mathbf{r}) = \mathbf{A}^0(\mathbf{r}) - \nabla \left[\sum_{l=1}^{\infty} \frac{D_l(\hat{\mathbf{r}})}{r^{l+1}} \right], \quad (40)$$

که

$$\mathbf{L} \cdot \mathbf{L} D_l = -l(l+1) D_l. \quad (41)$$

4 پانوشتها

- [1] John R. Reitz, Frederick J. Milford, Robert W. Christy; "Foundations of electromagnetic theory", (Addison-Wesley, 1979)
- [2] John David Jackson; "Classical electrodynamics", 3rd edition (John Wiley & Sons, 1998)

[3] Laplace

[4] Poisson

[5] Coulomb